

[illegible]

یادداشت

چقدر زیبایی مادر



فاطمه محمدی
مجری تلویزیون

گاهی وقت‌ها که به اطرافم نگاه می‌کنم، می‌بینم چقدر بعضی از شغل‌ها را ساده می‌گیرند یا نگاه آدم‌ها چقدر حسابگرانه می‌شود. مادری درست از همین دست شغل‌هاست.

همه چیز از انتشار تصویر آزاده لرستانی (خبرنگار فارس) همراه پسرکش شروع شد. قبل‌ترش مادری فرزندش را کنار بساط دستفروشی‌اش نگه می‌داشت و مادری دیگر پشت گیشه بانک با عجله لقمه‌های ریزریز دهان دخترک خواب‌آلودش گذاشته بود. بله، این‌ها همه‌شان مادرند. کمی آن‌طرف‌تر مرزهای خودمان هم مادری را دیدیم که در مجلس سنا در حال نطق به فرزندش شیر می‌داد. بله، این‌ها هم مادرند. من لحظه به لحظه اضطراب و درد و نگرانی و اراده و تلاش و مهر این مادران را درک می‌کنم اما فقط یک زن خستگی و شب‌بیداری و ذهن پرکار و دغدغه روزهای در پیش این مادران را می‌فهمد. حتما آزاده دلش می‌خواست لباسی مرتب بپوشد، کمی در خیابان قدم بزند تا به محل جلسه برسد، با دوستانش خوش‌وبش کند، شاید قهوه‌ای بنوشد و با فرارِ بال محتوای جلسه را آرام یادداشت کند و بعد از اتمام هم کمی را میزبان گپ بزند، در مسیر برگشت چیزی بخورد و به منزل بازگردد اما او با عجله منتظر بیدارشدن پسرک ماند و تمام این مدت دلش می‌ریزد نکند در وقت مناسب در ابتدای شروع جلسه نرسد و خبر آن‌گونه که باید تنظیم نشود. تازه بعد از بیدارشدن بچه شروع ماجرای ناسازگاری است و قربان صدقه‌های مادرانه او صادر است و یک مادر حتی گاهی در اولویت‌بندی‌های پا روی دلش می‌گذارد اما از هیچ چیز کم نمی‌گذارد. پسرک را بغل می‌کند و راهی جلسه می‌شود. باید به خوراکی و لباس و اسباب‌بازی و کرونا هم فکر کند. حتما بین راه وسایل فراموش‌کرده را به خاطر می‌آورد که نگرانیش لایه‌لایه مامان مامان مامان گفتن‌ها گم می‌شود. در جلسه هم خبر تمرکز می‌خواهد و امتناع‌داری، مادری جان می‌خواهد و توان. همه‌اش را توانام می‌کند و در زیباترین حالت ممکن مادری را پیوند می‌زند به میز کار. مدیریت بچه نپا یا کودک در محل کار، در جلسات یک‌جور تخصصی و تبحر و انرژی عشق مادرانه می‌خواهد که کلافگی و سختی و رنجش‌هایش امانت را نگیرد. حالا شما از تصویر اسلحه اسباب‌بازی بنویسید، من باز هم می‌گویم: چقدر زیبایی در این تصویر.

گفت‌وگو با آزاده لرستانی؛ مادر متفاوت نشست خبری من آزاده، مادر محمد حسینم!

واقعاً به خبرنگار فارس که با پسر بچه‌اش به نشست خبری رفته است به اصطلاح گیر می‌دهید و برای آن تفنگ اسباب‌بازی که همراه این مادر و فرزند است، هزار تحلیل بی‌ربط می‌دهید و می‌نویسید که تروپرس پرورش می‌دهند! واقعاً ذهن‌تان همین قدر بسته و تعطیل و آن‌قدر درگیر تئوری توطئه است که بچگی خودتان را فراموش کرده‌اید یا بچه‌های دوروبرتان را از خواهر و برادر کوچک‌تر یا خواهرزاده و برادرزاده و بقیه نمی‌بینید؟ اگر به هر دلیلی حال و روز مادر خبرنگار را درک نمی‌کنید، واقعاً حال بچه و دنیای او را هم درک نمی‌کنید؟ یعنی این قدر دنیای مجازی و جبهه‌گیری و ریسمان و آسمان بافتن درگیرتان کرده که درکتان تعطیل شده؟

این‌ها را من می‌نویسم که نه به طیف سیاسی خاصی وابسته‌ام، نه تندرویم و نه کندرویم. همه تلاشم را می‌کنم که در مسائل سیاسی واقع‌بین باشم اما مادرم و همه شرایطی که این مادر خبرنگار سپری می‌کند را به نوعی تجربه کرده‌ام و راستش با دیدن این واکنش فقط ابراز تاسف می‌کنم. از این همه تنگ‌نظری و این که همیشه و در همه حال چمن همسایه سبزه‌تر است و مرغ او همیشه غاز است، انگار این تنگ‌نظری‌ها هیچ وقت نمی‌خواهد از سر ما دست بردارد و هر چه نسل‌ها جلوتر می‌روند و دانش گسترده‌تر و بی‌مرزتر می‌شود اما تنگ‌نظری می‌ماند، انگار چسبیده به زن ما و نمی‌خواهد ترکمان کند و ما هم تلاشی نمی‌کنیم که خود را از آن وارهانیم. مادری که در آن طرف مرزها با طفل خود به مجلس نمایندگان می‌رود برای ما می‌شود اسطوره و زن متفاوت و مادر قدرتمند ولی مادر ایرانی که با طفل خود می‌رود نشست خبری، می‌شود مادر بی‌ملاحظه و گیر می‌دهیم به تفنگ اسباب‌بازی بچه‌اش. در کشور ما در سال چند بچه دست به

خبرنگاری شغل ۲۴ ساعته است. ما همیشه باید آنلاین باشیم. هر زمان که لازم باشد به تحریریه برویم یا خبر، اتفاقاً و جلسه را پوشش بدهیم. بیشتر همکاران رسانه‌ای به جز چند نفر از من حمایت کردند چون شرایطم را درک می‌کنند. چون می‌دانند مادری که خبرنگار است باید چگونه همزمان چند کار را با همزمان انجام دهد. مدیران خبرگزاری فارس از من حمایت و قدردانی کردند که این بخش مهم است؛ چون خبرنگار اگر حمایت مدیر رسانه خود را داشته باشد، می‌تواند کار کند و گرنه شرایطش سخت می‌شود. به آنهایی که انتقاد کردند و حاشیه ساختند هم می‌گویم؛ من مادری هستم که حرفه‌ام را دوست دارم و حضورم به همراه محمد حسین ۱۸ ماهه نشان داد زنان در جامعه ما رشد کرده‌اند و موانع‌شان بسیار کمتر از گذشته است و به قول همسرم، واکنش شبکه‌های اجتماعی، من و پسرم را جهانی کرد!

زنان ایرانی رشد کرده‌اند

لرستانی می‌گوید: «حوزه کاری‌ام حماسه، دفاع مقدس و شهداست. با شروع کرونا خبرگزاری فارس تحریریه را دورکار کرد و ما بیشتر در خانه کار می‌کنیم. روز دوشنبه اولین نشست خبری آقای قاضی‌زاده بود و من باید می‌رفتم. کسی نبود از بچه‌هایم در خانه مراقبت کند، محمد مهدی را که چهار ساله است پدرش برد و محمد حسین را هم من. اسباب‌بازی‌اش را برداشتم که سرش گرم باشد و خودش هم تفنگش را برداشت. خوراکی هم برایش برده بودم. چون نگران شرایط کرونا بودم، وقتی به سالن رسیدم به مسئول رسانه‌ای بنیاد شهید گفتم صندلی به من بدهد که فاصله‌ام از دیگر همکارانم زیاد باشد. دو روز واکسن زده‌ام و چون محمد حسین شیرخوار است، واکنسی که به من تزریق شده بر او هم اثر می‌گذارد. راستش قبل از رفتن چند قل‌ قل... هم خواندم و فوت کردم به او و با توکل به خدا رفتم. گفتم خدایا خودت می‌دانی من مجبورم محمد حسین را با خودم ببرم، خودت مراقبش باش. اتفاقاً در طول جلسه محمد حسین خیلی آرام بود و من خدا را شکر می‌کردم. کار ما

موفقیت تمام شد. عکس‌ها و واکنش‌ها را که دیدم تعجب کردم. مگر من دشمن آنها هستم که بدون در نظر گرفتن شرایط یک مادر این چنین به من و بچه‌ام حمله کرده‌اند؟»

لرستانی می‌گوید: «من عاشق کارم هستم و در همه این سال‌ها همسرم، حسین آقا به شدت از من حمایت کرده و همیشه نهایت همکاری را با من داشته تا بتوانم کارم را ادامه بدهم. این که تصویرمادری‌امی ببینید بچه‌خردسالش سبک‌راش رفته به نظرم باید از او حمایت کنید نه این که او را بکوبید و محکوم کنید. محکومیت برای چه؟ تفنگ اسباب‌بازی بچه من چرا باید دلیلی باشد برای این که خبرگزاری فارس را بکوبید؟ این دو چه ربطی به هم دارند؟ مگر خبرگزاری فارس در کشور ما فعال نیست؟ مجبور فعالیت دارد و ما هم خبرنگارانش هستیم. من مادری عاشق خبرنگاری‌ام و هیچ محدودیتی مرا از کارم باز نمی‌دارد. در هر جای دنیا بود، مرا تشویق می‌کردند. مگر آن مادر اروپایی را که با بچه خردسالش به مجلس رفته بود، تشویق نکردند و نگفتند قدرت زن را نشان می‌دهد که همزمان با تکلیف مادری‌اش به کارهای اجتماعی و سیاسی‌اش هم رسیدگی می‌کند؟ پس چرا عکس من و پسرم حاشیه‌ساز شد؟ کجای کار می‌لنگد؟ مگر یک مادر مسلمان، نمی‌تواند با بچه خردسالش به محل کارش برود یا در نشست خبری شرکت کند؟»

کره وارداتی، تولید داخل را

تهدید می‌کند

مدیرعامل کارخانه شیر منطقه فارس گفت: سال گذشته حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار تن کره به کشور وارد و باعث شد کره‌های داخلی در انبار بمانند. مهندس رفعتی در ادامه افزود: هم‌اکنون به دلیل نبود موانع تعرفه‌ای، کره تولید داخل با ۲۸/۵ درصد زیان و به نرخ هر کیلو ۱۷۷۲ تومان از اول مهر به فروش خواهد رسید. (صفحه ۴)

پیکان دارها بخوانند

دبیر کمیته اجرایی کاهش آلودگی هوای تهران در گفت‌وگو با شبکه پنج سیما گفت: برای نخستین بار در شهر تهران طرح جامع کاهش آلودگی ناشی از حمل‌ونقل براساس مصوبه ۲۴ بهمن ۱۳۷۸ به تصویب رسیده و هزینه‌های مالی آن مناسب با تیارها تامین شد. وی از صاحبان خودروهای پیکان قدیمی تا سال ۷۰ که در بخش حمل‌ونقل عمومی، تاکسی، وانت‌بارها و موسسات اتومبیل کرایه‌ای فعالیت دارند خواست تا با مراجعه به مراکز تعیین شده نسبت به تعمیر و تعویض برخی از قطعات خودروی خود که باعث آلودگی هوا می‌شود، اقدام کنند. (صفحه ۱۳)

۱۸ شهر جدید ساخته می‌شود

علی عبدالعلی‌زاده، وزیر مسکن و شهرسازی که به چین سفر کرده، گفت: درحال حاضر ۱۸ شهر جدید در ایران در حال احداث است. هدف از ساخت این شهرها تشویق مردم به انتقال از حاشیه شهرهای بزرگ است. در اطراف تهران چهار شهر، اصفهان سه شهر، مشهد دو شهر و شیراز و تبریز هرکدام یک شهر احداث خواهد شد. همچنین قرار است شهر جدیدی در کنار تاسیسات پارس جنوبی در استان بوشهر ساخته شود که سرمایه‌گذار آن وزارت نفت است. (صفحه ۱۴)

اختلاف در طالبان

با تشدید فشارهای آمریکا به طالبان برای تحویل بن‌لادن و قوت گرفتن حمله آمریکا به افغانستان برخی گزارش‌ها از بروز اختلاف در میان طالبان خبر می‌دهد. یک مقام آگاه افغانستان که نخواست نامش فاش شود، به خبرنگار جام‌جم در پشاور گفت: گروهی از علمای طالبان که از برخی تندروی‌های هم‌گروه‌های خود ناراضی هستند و هرگونه اقدام جنگ‌افروانه را به زیان ملت افغانستان می‌دانند، قصد دارند با نزدیک شدن به گلبدین حکمتیار از گروه طالبان کناره‌گیری کنند. این اختلاف‌ها از مدت‌ها قبل بین جناح تندروی طالبان و جناح معتدل وجود داشته و گاهی نیز باعث درگیری‌هایی شده است و اینک این اختلاف‌ها بیشتر شده. (صفحه ۲)

شون‌پن به «دوستان» پیوست

شون‌پن در یک مجموعه تلویزیونی بازی می‌کند. این بازیگر جوان در چند قسمت از مجموعه موفق و کمدی «دوستان» متعلق به شبکه ان‌بی‌سی حضور خواهد داشت. در این مجموعه او در نقش نامزد یکی از شخصیت‌های اصلی بازی می‌کند. پن قبل از این در سال ۱۹۹۴ در مجموعه تلویزیونی هات‌شات به‌صورت افتخاری بازی کرده است. (صفحه ۳)